

وظائف اخلاقی و کلاه بمناسبت استقلال کانون

استقلال کانون و کلاه

استقلال کانون که پس از سالهای متمادی نصیب و کلاه دادگستری ایران خواهد شد و آنرا با سایر کشورهایی که در گنجره‌های بین‌المللی شرکت دارند از این حیث هم‌آهنگ خواهد نمود اگر بنا بر بیخ و کالت و سیر تکامل آن مراجعه شود مشهود میگردد که این موهبت در نتیجه رشد فکری و اخلاقی و کالت جهان حاصل گردیده است و این استقلال جزو لاینفک شغل و کالت میباشد و از اوصاف برجسته این حرفه محسوب خواهد شد و امروز و کلاه و کانونهای عالم برای این امتیاز اهمیت بسزائی را قائلند و کلاه و کانونها در قسمت انجام وظائف و اعمال خود باید دارای استقلال کامل بوده و جز احترام بقوانین و انتظامات عمومی و اصول مذهبی و اخلاقی هدف دیگری نداشته و هیچ امری نباید مانع و سد آزادی فکری و عمل آنان واقع شود و از هرگونه اطاعت کور کورانها و اقیادی دوری جویند زیرا ثمره این استقلال برای موکلین آنان بهترین تضمینی است که در سایه آن بهیچوجه و حشمت و رعبی در انجام وظیفه قانونی و وجدانی برای وکیل پیدانمی‌شود و منافع شخص وکیل و موکلین او دچار خطرهوی و هوس و خود مختاری دیگران واقع نخواهد شد.

استقلال کانون نمره‌اش برای حمایت از استقلال وکیل و حفظ منافع اصحاب دعوی است که در نتیجه تدوین آئین‌نامه‌های داخلی هر کانونی را در اداره خود آزاد نموده و وظایف خود را در سایه صرف اموال و عمل اعضای خود انجام میدهد و همچنین بین کانونهای جهان اصول تعامن و همکاری برقرار است که در سایه این همکاری بتوانند منافع عمومی و حتی حقوق بشر را از هر حیث و هر جهت تأمین و تضمین نمایند.

این آزادی عمل و استقلال برای وکیل از نظر حفظ منافع مشروع موکل خود متضمن مصونیتهاست که بهیچوجه نمی‌توانند در قبال اعتراضات به ملیات خلاف قانون دادستانها و بازپرسها و سایر افراد وابسته بدادگستری و با سایر سازمانهای اداری کشور بهیچ عنوان از قبیل توهین و افتراء آنها را در مقابل تقریرات و تحریراتشان از نظر انجام وظیفه تعقیب نمود. و با کمال

آزادی و شهادت که نمره این استقلال میباشد هر کیلی میتواند بتجاوزات هر مأمور دولتی اعم از وزیر وغیره و یا هر يك از اعضاء قضائی قانوناً اعتراض نماید و از عملیات خلاف قانون آنان بر اجماع صالحه شکایت کند و بهیچوجه نمیتوان معترض نطق و نوشتجات و کیل شده و از این حیث دارای مصونیت کامل و استقلال بوده تا در سایه این دو امتیاز بتوانند حقوق موکلین و افراد جامعه را حفظ و تأمین نمایند - استقلال و مصونیت افراد کشور در دفاع از حقوق حقه و مشروع آنان است و هر تضيیعی که باین حقوق وارد شود لطمه ایست که بحقوق افراد کشور وارد خواهد آمد .

استقلال قانون در حکم دژ محکمی است که در مقابل خشم و تجاوزات سایرین (از نظر تعدی بحقوق افراد) میتواند از هر تجاوزی دفاع نمود .
دو چیز در عالم وجود دارد که ناپای جان باید برای حصول آن مقاومت و پافشاری نمود عدالت و آزادی و استقلال قانون نغمهان این آرمان بزرگ که در نهاد قلوب کلیه افراد بشر است .

استقلال حق مقدس برای وکیل و برای سایر افراد میباشد و حقوق بشر را میتوان در آزادی دفاع تلخیص نمود زیرا هر حقی قابل تعرض بوده و نسبت بتجاوزات آن دفاع از حق را ایجاب خواهد نمود .

استقلال قانون در عداد اموال و دارائی تمام افراد کشور میباشد و بقول یکی از رؤسای قانون و کلاء فرانسه استقلال کلمه بسیط بوده ولی بیک عالم ازمعانی و اخلاق شمول دارد و کلیه افکار و اندیشهها و فضائل و تقوای بشری را میتوان در این واژه جستجو نمود و در سایه این اصل فرد از جرگه مردم خارج گردیده و بصورت انسان کامل جلوه گر خواهد شد .

باری در تمام جزر و مدهای سیاسی و تمام معایبی که حیات افراد و کشورها مواجهه با آن میشود بسا اتفاق می افتد که دادخواهی مظلومی منتهی بدادخواهی ملتی خواهد شد .

حال باید دید باین زوایائی که پس از مبارزات و خونریزیهای زیاد برای جامعه بشریت که در راه آزادی و استقلال بعمل آمده و نصیب مدافعین حقوق مردم گردیده است آیا و کلاء در مقابل مردم و قضات و موکلین و همکاران خود و قانون و خزانه دولت چه وظائف اخلاقی باید داشته باشند تا هدف اصلی مقننین در قسمت استقلال و مصونیت آنان که حفظ منافع جامعه و احترام بقوانین موضوعه و اصول است کاملاً تضمین شده باشد .

و کلاء برای انجام وظائف اخلاقی بنحویه مطلوب باید مقررات اخلاقی را منظر در داشته و وظائف مزبور بشرح ذیل است :

- ۱ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بخود .
- ۲ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بموکل .
- ۳ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بهمکاران خود .

- ۴ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بقضات و دستکاه دادگستری .
- ۵ - اخلاقی و کلاء نسبت ب مردم .
- ۶ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بکانون .
- ۷ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بانزانه دولت .

وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بخود

شئون و اعتبارات

وکیل در بادی امر بیش از هر چیزی باید باینند بحیثیات و شئون و اعتبارات باشد زیرا بدون این دو حربه اخلاقی وکیل نمی تواند در انجام مقاصد مشروع و حقوق حقه موکلین خود توفیق حاصل نماید

اگر وکیل آنچه را که قوانین موضوعه مملکت حق دانسته و آنچه را که خلاف انتظامات و امنیت عمومی میدانند خود باینند تبادد چگونه بدون داشتن این ایمان راسخ میتواند نسبت بدفاع از تضييع حقوق دیگران و جامعه قیام نماید .

اوصاف وکیل

وکیل باید دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده باشد و با حسن خلق و خوشروئی ب مردم رفتار کرده و با این رویه قلوب همه را بخود جذب نماید و با کمال بیغرضی دعاوی را قبول کرده و اعتدال و میانه روی را در انجام عمل از دست ندهد با اقوال و مواعید خود باینند بوده و از طریق صحت و درستى و دقت وظائف خود را تعقیب نموده که موجب اطمینان خاطر مردم از او بشود .

اطاله دادرسی

شرافت و حیثیت وکیل حکم میکند که دعاوی را بمنظور اطاله دادرسی و تأخیر در انجام تمهد و یا نیل بحق نباشد قبول ننموده و بمتاوبین دستاویزهایی متوسل نشود که شایسته مقام وکالت نبوده و منظور از آن تضييع حق و خسته کردن طرف بوده باشد .

حفظ احترام لباس و کالت

لباس و کالت لباس با افتخاری است که باید مردمان با حیثیت و شرافتمند ملبس بآن بوده و طوری رفتار نمایند که تمام افراد کشور مانند حرکت قسری نسبت باین لباس پرافتخار و افرادی که ملبس بآن لباس هستند تجلیل و تکریم نمایند .

اعمالی که باوکالت ناسازگار است

وکلاء نباید در مجالس قمار و میخانه و افیون شرکت نمایند زیرا شرکت در این نوع مجالس علاوه بر اینکه مضمّن مضرات مادی است خسارات معنوی هم که عبارت از اختلال ورنجوری و بریشانی حواس است برای وکیل خواهد داشت چه سرمایه وکیل اندیشه و فکر اوست و اگر این سرمایه به باطل و کلاه های مضر بچشم و جان مصرف شود دیگر نیرو و توانائی برای وکیل باقی نمی ماند تا در مقام دفاع یا تعقیب حقوق موکل خود بر آید .

فرع و رباخواری و سفته بازی

وکیل نباید بتزویل و رباخواری و سفته بازی مبادرت کند زیرا این نوع اعمال شایسته مردمان بول برست و خدانشناس بوده که تمام افکار آنان در حدود دینار و غاز و استفاده از تیره بختی و بدبختی دیگران سیر مینماید و این کاهش روحی و سقالات اخلاقی تأثیر بسزائی در عدم پیشرفت امور مردم خواهد داشت .

مشاغلی که منافی شئون و کالت است

وکیل نباید به شاغل غیر از شغل وکالت اشتغال داشته باشد زیرا هر نوع شغلی با این حرفه متباین داشته و مفاسد حاصله از آن مشاغل بیای شغل وکالت محسوب خواهد شد و مردم هم که با وکیل سروکار دارند اینگونه عملیات را از نظر وکیل و وکالت میدانند نه از نظر آن شغل مثلاً شرکت در انجام نمایشات و آکتوری و مجالس ساز و آواز - کلوبهای قمار و غیره و همچنین عملیات دلالی و کارچاق کنی شایسته این مقام مقدس نیست.

تبلیغات

وکیل نباید با عجز و الحاح و التماس شخصاً و یا بوسیله دلال دنبال تهیه کار برود و یا مردم را بطبیعت بلکه باید طوری اعمال و گفتار او در مردم تأثیر نماید تا مردم بدانند او بروند. هر گونه تبلیغ از قبیل اعلان در جراید و فیلمهای سینما و نابلوهای بر عرض و طول و این نوع تظاهرات مخالف شئون و حیثیات این حرفه است.

مرکز عملیات وکیل

وکیل باید با وکلین خود در مواردیکه وظیفه دار است در دفتر خود مشاوره و عملیات وکالتی خود را انجام دهد و نباید در کافهها و رستورانها و کارانهها و یا اماکن فساد وقت باشخص داده و در امور مربوط با آنها در این امکانها شورا و اظهار نظر نماید - موکلین خود را ملزم است در دفتر خود بپذیرد و بهیچوجه نباید حتی بمنزل موکلین خود برای شورا و انجام کار برود این اعمال با احترام و شئون و اعتبارات این حرفه لطمه میزند فقط وقتی مجاز است که موکل بستری یا ناقص الخلقه باشد و همچنین در مورد دوا و بتکاه پائی که متضمن منافع عمومی است مانعی ندارد.

مطالعات وکیل و مجهز شدن او با سلاح روز

و کلاء باید پس از فراغ از امور وکالتی بطالعه کتب و مجلات علمی و حقوقی پردازند تا با نیروی علم و اطلاع و اسلحه و تجربه جدید بتوانند در انجام وظایف محوله قیام و اقدام نمایند و این عمل یا در کتابخانه های عمومی کاخ دادگستری و و کلاء باید صورت گیرد یا در کتابخانه شخصی خود وکیل.

فصاحت و بلاغت در حکم شعله ایست که برای بقاء و رفروز زندگی خود

نیازمند بمواد معینی میباشد مطالعات علمی وکیل در حکم مواد آن شعله میباشد که آنرا از خاموش شدن مانع شده و بر رفروز زندگی و تابش آن میافزاید. محاکمه کار عقل و هوش است و از نیوتون فیلسوف و دانشمند انگلیسی سؤال کردند که قوه ثقل را چگونه ادراک نمودی پاسخ داد در نتیجه فکر متمدادی.

وقتی وکیل دادگستری مطالعات و تحقیقات علمی نمود آنوقت

قادر است که با نیروی علم و دانش حقیقتی را ظاهر و آشکار نموده و چراغ خطر در مقابل پای دادرسان قرار دهد تا در سودال سهمگین نیافتند زیرا وکیل که بدون مایه علمی و اسلحه روز بخواهد وارد دفاع شود یا بتعقیب حقی مبادرت نماید مطالب روشن را غامض نموده و بالعکس با حربه علمی هر امر پیچیده و مفصل را در برابر قضات روشن مینماید.

۲ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بموکل

امانت و درستی

وکیل باید از هر حیث نسبت بموکل خود امین باشد حقوق و اموال موکل را مانند مال خود دانسته و همان جدیت و مراقبت را که در حفظ مال و حقوق خود دارد نسبت بموکل نیز انجام دهد و حتی نسبت بدیگران هم این وظائف امانت‌داری را حفظ کند زیرا اگر وکیل بحفظ حقوق دیگران لایابالی و بی‌اعتناء باشد این عمل تأثیر بسزائی در لکه‌دار نمودن حیثیات و سوء شهرت او خواهد داشت که بالتجربه بنافع مادی و معنوی اوزیان وارد خواهد آورد .

معتقدات سیاسی و مذهبی

وکیل نباید دعاوی و اموری که مخالف با معتقدات شخصی و سیاسی و مذهبی او باشد قبول کند و در صورت اختلاف نظر با موکل آن دعاوی را رد نموده و بهیچوجه نباید نسبت به قبول دعاوی و اموری که آزادی عمل از لحاظ جهات اخلاقی و مسلکی و مذهبی ندارد مبادرت نماید .

امور ادارات و شرکتها

و کلاء نباید کلیه دعاوی يك فرد را در تمام عمر و بایک شرکت و بنگاه و اداره را قبول نمایند و اینکار مخالف حیثیت و شئون و کالت میباشد زیرا وکیل موقعی می‌تواند امری را قبول کند که خود ایمان بیشتری آن داشته باشد و اگر وکالت در امور شرکت و یا اداره را قبول میکنند باید در کاری که پیشرفت ندارد صریحاً نظریه مخالف بدهد .

حفظ اسرار

و کلاء باید اسرار موکل را حفظ نموده و باین امر بیشتر از سایر امور اهمیت دهند و اگر بعنوان ادای شهادت در محکمه دعوت شوند از نظر حفظ اسرار می‌توانند از ادای شهادت خودداری نمایند .

شهادت وکیل

و کلاء ملزمند که در پیشرفت دعاوی حقه موکلین و با دفاع از حقوق آنان بدون کمترین ترسی امور مربوطه بموکل را تعقیب نموده و بهیچوجه از آزادی عمل خود دست نکشیده و از اطاعت ضمیر و وجدان خود سرپیچی ننمایند .

ترمیم خسارات

و کلاء باید کلیه خسارات وارده بموکلین خود را که در نتیجه مسامحه و غفلت یا اشتباه روی داده جبران نمایند و شهرت خود را در نتیجه این تسامح برابگن از دست ندهند .

استنکاف وکیل از قبول کار موکل از نظر تعارض منافع

و کلاء باید در مورد قبول هر دعوائی منافع شخصی و خصوصی خود را که با منافع موکلینشان تعارض دارد کاملاً اظهار داشته و از هر گونه بستگی و خویشاوندی که با طرف دعوی دارند بموکل تذکر دهند و حتی باو خاطر نشان نمایند که در تحت نفوذ و فشارهایی است که منافی با منافع موکلینش میباشد .

کناره‌گیری وکیل از کار موکل از نظر اعمال خدعه و نیرنگ

هر گاه وکیل در جریان مجامعه مشاهده نماید که موکل او را فریب داده فوراً نباید

بشخص او این معنی را تذکر دهد تا در مقام تصحیح و جبران آن برآید و در صورت امتناع موکل وکیل میتواند اذکار او کناره گیری نماید .

۳ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت به همکاران خود حس برادری بین و کلاء

و کلاء باید کلیه همکاران خود را محترم شمرده آنان را بمتابه برادر خود بدانند و بهیچوجه راضی نشوند اعم از مستقیم یا غیر مستقیم بآنان اهانتی وارد شود اهانت بیک وکیل اهانت بجامعه و کلاء بوده این اهانت جامعه و کلاء را در نظر موهون و خفیف خواهد نمود و چون کلیه و کلاء هدف مشترک در اجرای عدالت دارند باید دست بدست همدیگر داده در اجرای این هدف مشترک که احترام بقوانین موضوعه کشور است کمک کرده تا وحدت ملی را در سایه اجرای قوانین در کشور ایجاد نمایند .

شرکت در مصائب

و کلاء نباید توجهی بسوابق شخصی و تمایلات سیاسی آینده تولوژی و سایر اوصاف همکاران خود داشته باشند لازم است در تمام احوال بایکدیگر الفت و مهربانی داشته و در کلیه مصائب و مشکلات و پیش آمدها ارقبیل فوت خویشاوندان کسالت غیبت و مواقع اضطراری که مانع انجام وظیفه وکیل نسبت موکل میباشد کمک و مساعدت نموده و در صورت فوت یکی از همکاران خود در تشییع و مجالس سوگواری او شرکت کرده و از کمی امور دیگره لازمه شئونات و حیثیات همکار از دست رفته خود میباشد دریغ و مضایقه ننمایند .

همکاری و کلاء بایکدیگر

و کلاء نباید انتخاب وکیل دیگر را از طرف موکل بمنزله عدم اعتماد حمل و تعبیر نمایند و این قبیل همکاریها باید مورد قبول آنان واقع شود .

وظائف وکیل در موقع تغییر همکار خود

و کلاء نباید دعاوی و اموری را که قبلا در دست یکی از همکاران بوده بدون اطلاع و رضایت نبلی او قبول و یا مداخله نمایند مگر اینکه همکاری قبلا از آن استعفا داده باشد و در صورت قبول موظفند حق الوکاله همکار خود را نسبت برحمانی که متحمل شده است نزد موکل تأمین نمایند .

مذاکرات با طرف دعوی

و کلاء نباید با طرف دعوی موکل خود بطور مستقیم و غیر مستقیم بدون حضور وکیل او وارد مذاکره و گفتگو واقع شوند و یا با گواهایی که در امور کیفری و مدنی گواهی میدهند تماس گرفته و آنانرا و اذار نمایند که برخلاف حقیقت نفوه نمایند .

۴ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بدادرسان و مقامات قضائی کومک بدستگاه قضائی

و کلاء وابسته بدستگاه قضائی بوده و باید نسبت بیسط و اجرای عدالت از هر گونه اقدامی مضایقه و دریغ ننموده و برای حفظ و نگاهداشتن آن دستگاه روی مدار اصلی خود همیشه مجهز بوده و نگذارند قضات دستخوش هوی و هوس قوه مجریه و مقننه واقع شوند و نلای با استقلال آنان که ضامن اجرای قانون و عدالتند وارد گردد .

مبارزه با فساد

وکلاء باید باتمام قوا و بوسایل و طرق قانونی نسبت بسوء رفتار قضات و کارمندان قضائی مبارزه کرده و بدون بیم و وحشت دلایل خود را بقرائن صالحه و کانون عرضه نمایند .

جلوگیری از دخول سیاست در دستگاه قضائی

وکلاء باید همیشه برای حفظ دستگاه قضائی و دور بودن از سیاست از هر گونه مساعدت و جدیت خودداری ننموده و مراقب باشند که احراز مقام قضائی فقط از نظر قابلیت و صلاحیت علمی و اخلاقی قضات صورت گیرد نه از لحاظ انتساب بدستجات سیاسی زیرا در هر موقع که سیاست از درب کاخ وارد شود عدالت از پنجره های آن فرار می نماید .

اذا دخل السياسة من الباب خرج العدل من الشباك

وکلاء باید از روی اعمال قضائی که امور را برونق قانون انجام نمیدهند پرده برداشته و آنانرا بقرائن صالحه و صلاحیتدار معرفی نمایند .

خودداری از قبول وکالت از نظر اظهار نظر قضائی

وکلاء نباید پس از گذاره گیری از امور قضائی و عمومی نسبت به آن دعاوی که در دوره خدمت خود عهده دار بوده اند کاری را قبول نمایند و نیز نباید تا مدت معینی در حوزه ای که سابقاً قضاوت نموده اند وکالت نمایند .

عدم دخالت وکیل در اموری که در نزد اقارب و بستگان آنان

طرح میباشد

وکلاء نباید دعاوی را در دادگاهها و مراجعی که اقارب و بستگان آنان عهده دار آن شغل هستند طرح و تعقیب نمایند زیرا نتیجه آن عمل از لحاظ وجود رابطه قرابت و خویشاوندی موجب تضییع حقوق طرف دعوی گردیده و قضاوت بصورت کپانی و دسته بندی صورت نخواهد گرفت .

رعایت احترام و ادب نسبت به قضات و اعضاء دستگاه قضائی

وکلاء باید روش و آمیزش نیکو با کارمندان قضائی داشته و همچنین با اطراف دعوی و اشخاصی که طرف دعوی با موکل آنان هستند با کمال ادب و ولایت انجام وظیفه نموده و بهیچوجه با خشونت و ادای کلمات زننده و زشت با قضات و سایرین رفتار ننموده و عفت کلام را از دست ندهند .

جلوگیری از اعمال خلاف رویه موکل

وکلاء باید از هر گونه اعمال غلط و لغو موکل خود جلوگیری نموده و اگر موکل او رفتار سوء و ناهنجار نسبت بوکیل طرف یا قضات روا دارد فوراً باو تذکر داده و در صورت ادامه بهملیات خود خاتمه دهند و نباید بگذارند موکل بقرائن صالحه و قضات و طرف دعوی و اشخاص ثالث که در کار او دخالت دارند دشنام داده و با نسبت بآنان بی احترامی نماید .

۵- وظائف اخلاقی و کلاء نسبت ب مردم

تعهدات وکیل

وکلاء باید نسبت ب مردم تعهدات و وظایفی که نسبت بتمهیدات خود بی اعتناء بوده

و با ازدیگران وام بگیرد یا تمهیدات خود را انجام ندهد و در مقابل محکومیت عرضحال اعمار بدهد این فرد باید از جرگه و کلا خارج شود .

رشاء و ارتشاء

و کلاء بهیچوجه نباید وسیله رشاء و ارتشاء واقع شوند زیرا این اعمال خود مانع بزرگی برای اجرای عدالت است و این بیان سمدی کاملاً مصداق پیدا مینماید .

همه کس را دندان به ترشی کند شود مگر قاضی را بشیرینی

و هر وکیلی که خدای نخواست این رویه را پیش گیرد شایسته این مقام نبوده و باید از جرگه و کلاء طرد شود چه رشوه نه فقط در افراد ضعیف و بی مایه تأثیر بسزایی دارد بلکه همانطور که در تورات ذکر شده در افراد بزرگ و دانشمند نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت که عین آن ذیلاً نقل می شود .

رشوه کور میکند چشم هر حکیمی را و برهم میزند کلام هر صادقی را

و روی این اصل قوم یهود کلیه عملیات و امور خود را در تحت این عنوان انجام می دهند .

از کتاب کلیه جرائم در اثر این عمل ناپسند صورت می گیرد و اگر باین عمل مبارزه شود صدی نود اصلاحات علمی میشود زیرا ده درصد اعمال زشت و خلاف قانون قضات روی جهل است و نود درصد روی رشاء .

احسان و خیر خواهی

خیر خواهی و احسان باید یکی از صفات برجسته و کلاء باشد زیرا این صفت شایسته يك فرد کامل است و این حسن قانون عشق و عاطفه است همانطور که عدالت قانون احترام است .

این عشق طوری باید بسط پیدا کند که از محیط فردی و اجتماعی تجاوز کرده و بمالم بشریت معطوف شود .

فقط بدی نکردن کافی نیست باید حتی المقدور بر دم نیکی و احسان کرد و این عبارت حضرت مسیح را باید اینطور تعبیر کرد آنچه بخود نمی پسندی بدیگران نپسند و باید گفت آنچه بخود می پسندی بدیگران نپسند .

يك فرد کامل باید تمام نیروی خود را بمنل نمودن این اصل معطوف دارد که از آلام و مصائب دیگران در نتیجه اعمال نیکش بکاهد و این شمر سمدی باید شمار هر فرد و جامعه باشد .

تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

احترام بحقوق فردی و اجتماعی

عمل و کلا نباید برای پیشرفت دعوی و تحصیل سود معین باشد بلکه از نظر احترام بقانون و حقوق فردی و اجتماعی این عمل باید انجام گیرد و خود کاملاً معتقد بآن اصول و مقررات باشد و تحصیل سود باید در درجه دوم و سوم قرار گیرد آنهم باداش مشروع متعلق بآن عمل که انجام گرفته و وجدان او بایست از انحراف قوانین و اصول عبت ناراحت و در شکنجه بوده و برای آسایش و خشنودی وجدانش باید این حرفه مقدس را قبول نماید .

معاضدت قضائی

و کلاه از نظر فضایل و کمالات نفسانی و خصائل پسندیده که لازم این شغل میباشد باید کمک بدستگاه قضائی و اجرای عدالت نموده و دفاع از اشخاص مستمند و بی بضاعت را با کمال خوشرویی و دلسوزی قبول نمایند و اگر قصوری در انجام این وظیفه نمایند در حکم این است که اهمیت ذاتی شغل خود را زیر پا گذارده و در کاهش شئون و اعتبارات این شغل قیام و اقدام نموده است.

و کالت تسخیری

و کلاه ملزمند که با آغوش باز دفاع منتهی را که از طرف دادگاههای جزائی بآنان ارجاع می شود قبول کرده و از هر گونه جدیت و فداکاری که لازمه کار است در دفع اتهام و برائت آنان دریغ و مضایقه ننمایند.

برای یک جامعه غیر قابل تحمل و برخلاف احترام باصل برائت و مالکیت است که افراد کشور در نتیجه فقر و تنگدستی و سائلی در دست نداشته باشند که حقوق اذ دست رفته خود را از غاصبین گرفته و یا در مقابل متجاوزین از حق دفاع نمایند.

و کلاه باید در حکم اطباء حاذق و معالجان مشفق باشند که رشته مزاج آنان را در دست گرفته و نسخه علاج دهند و بقلوب افسرده آنان مرهمی بگذارند زیرا اعمال آنان نه فقط بکمک فردی و رعایت حال مستمندان منتهی میشود بلکه جامعه خود و جهان را از طوفانهای سهمگین و مهیبی که از این بدعدالتیها ایجاد میشود نجات خواهند داد و از این حیث و الاء آرامش و آسایش جهان را تأمین و تضمین نموده و این شعر خواجه حافظ شیرازی از نظر عدالت اجتماعی باید شعار این طبقه و سایر افراد کشور قرار گیرد.

ساقی به جام عدل ده باده تا سدا غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند

اعمال نفوذ و توسل بوسایل غیر مرضیه

و کلاه نباید در هیچ امری اعمال نفوذ نموده و در اعمال تقلب آمیز و خدعه و نیرنگ شرکت کرده و طرف شور واقع شوند و بازعاوی بوج و بی اساس را عنوان نموده یا بدون مورد دعوی را تکذیب و تردید نموده یا اعمال نفوذ و یا شر خرید نمایند.

۶ - وظائف اخلاقی و کلاه نسبت به کانون

کانون و کلاه

و کلاه باید کلیه آیین نامه ها و مقرراتی را که از طرف کانون تصویب و ابلاغ میشود معتبر شمرده و باید کانون را مکان مقدس دانسته و شخصیت خود را مستحیل در شخصیت کانون بدانند و از هر گونه مساعدت مادی و معنوی نسبت بکانون مضایقه روا ندارند و همیشه در اعلاء نام کانون بکوشند و طوری نکنند که در نتیجه آراء و اعمال آنها کانون بسورت ابطال در آید و همیشه منافع عمومی و کلاه را بر منافع شخصی ترجیح دهند و بدانند که هر قدر بسک کانون افتد و

و ارزش پیدا کند این ارزش و اقتدار نصیب فرد فرد و کلاء واقع خواهد شد .

۷ - وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بخزانه دولت هزینه دادرسی - مالیات - حق تبریر پروانه و کات

و کلاء باید مراقبت نمایند کلیه مخارجی که در جریان دادرسی تعلق میگردد دیناری حق دولت تضییع نشود چه هر قدر قدرت مالی زیادتر شود بهمان اندازه بسط و توسعه سازمانهای قضائی صورت تحقق بخورد گرفته و اجراء عدالت در تمام نقاط کشور آسان و عملی خواهد شد علاوه در حقوقی که برای تجدید پروانه و کالت خود در سال میدهند باید این موضوع را مقدم بر سایر مخارج خود دانسته و آنرا از زمره مخارج ضروری محسوب داشته نسبت بدآمد خود برای پرداخت مالیات راستگو و صدیق باشند زیرا عمل و کلاء باید سرمشق سایر مؤدیان مالیاتی باشد چه و کلاء بیشتر بهمانی قانون و اهمیت آن پی برده و بیشتر منظور قانون گذار را در امور مالی که منتهی برناه و آسایش عمومی می شود منظور نظر قرار دهند و طوری نکنند که دستگاه مالی کشور مانند سایر مؤدیان مالیاتی با آنان رفتار نمایند زیرا هر عملی که بایک وکیل در یک مورد بشود نتایج آن عاید جامعه و کلاء خواهد شد .

در هر حال وظایف اخلاقی و کلاء جهات مذکوره در فوق هستند که باید در نتیجه استقلال کانون و مصونیت و کلاء عملی گردد و اگر خدای نکرده نواقصی در این جامعه مشاهده گردد مولود دخالتهای بیجا و برخلاف قومه مجرب تاکنون بوده است و اگر بتاریخ سازمانهای کانون و کلاء دادگستری دنیا نظری افکنده شود هر گونه شبهه ای در این باب مرتفع خواهد شد و همکار دانشمند ما آقای دکتر محمد شاهکار در تاریخ ۱۳ آذرماه ۱۳۳۰ در مجمع عمومی و کلاهی طهران در قسمت تشکیلات و کلاء و چگونگی آن در قدیم با وضعیت فعلی کانونهای بعضی از مسالک اروپا سخنرانی ایراد نموده که عین آن در مجله شماره ۲۳ درج گردیده است .

باری آمر به معروف و ناهی از منکرات امر و زکسی خواهد بود
که از ارزش او امر و نواهی و قوانین موضوعه و غرض و مصلحت فردی و اجتماعی بیشتر با اطلاع باشد و جهات محسنه و مقبحه هر عمل و امری را در نظر بگیرد و بار این آیه شریفه بیشتر بردوش این طبقه میباشد که بعقیده این جانب باید روزی بصورت سپاه اخلاق و هادی افراد و جوامع بشری درآید که عین آیه شریفه ذیلا درج میشود :

کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمرحرف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله .

امید است که با صابون حکمت و آب معرفت کلیه لکه ها و بدنامی ها را شسته و سترده و دست بدست یکدیگر داده و در سایه اتحاد و اتفاق هدینه فاضله ای تشکیل داده و با بحر به اخلاق و شرافت و تقوی و پرهیزگاری به بدبختیها و آلام جامعه خود و عالم بشریت خاتمه دهیم و طوری در حیات خود رفتار نماییم که اندیشه و گفتار و کردار ما برای دیگران حجت و سرمشق واقع شود و توفیق همگی را در این امر مهم از خداوند مسئلت مینمایم .